



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امر سوم از اموری که متفرّع بر مقبوض به عقد فاسد می باشد آن است که آیا مشتری علاوه بر اینکه ضامن مبیع است ضامن منافع مستوفاة آن نیز می باشد یا نه؟ شیخ انصاری می فرماید که مشتری ضامن منافع مستوفاة نیز می باشد زیرا ابن ادریس در سرائر گفته مقبوض به بیع فاسد حکم غصب را دارد لذا چنانچه در غصب انسان هم ضامن خود مال و هم ضامن منافع مستوفاة آن است مقبوض به عقد فاسد نیز: یجری عندالمحصّلین مجری الغصب، و ظاهراً اینطور که ایشان مسئله را به فقهاء نسبت می دهد در این مسئله اجماع منقول وجود دارد.

شیخ انصاری علاوه بر اجماع منقولی که از سرائر نقل می کند به حدیث: « لا یحلُّ مال امریء مسلم لأخیه إلا عن طیب نفسه » نیز استدلال می کند و می فرماید طبق این حدیث مال مسلمان بر دیگری بدون رضایت و إذنش حلال نیست و در اینجا نیز فرض بر این است که بیع فاسد است و مالک راضی نیست که مشتری از مبیع استفاده کند زیرا مبیع را به عنوان بیع صحیح به او داده نه به عنوان بیع فاسد و دیروز هم گفتیم که اجازه و رضا نیز وجود ندارد.

شیخ انصاری در مورد کلمه ی «مال» در حدیث «حل» می فرماید چنانکه عین، مال است منفعت نیز مال محسوب می شود و چون منفعت مال است یجعل ثمناً فی البیع و صدقاً فی النکاح بنابراین هرچه که ثمن در

بیع واقع شود و هرچه که صدق در نکاح واقع شود مال است و هرچه که مال باشد مشمول حدیث: « لا یحلُّ مال امریء مسلم لأخیه إلا عن طیب نفسه » می شود.

آیت الله خوئی در ص ۱۳۰ از جلد ۳ مصباح الفقاهة دو دلیل دیگر بر اینکه منافع مستوفاة نیز ضمان دارد می آورد؛ اول اینکه سیره ی عرف و عقلاء بر این است که اگر شخصی مال دیگری را بدون رضایت و إذن او در اختیار بگیرد و از آن استیفاء منفعت بکند باید عوض آن منفعتی که استیفاء کرده را به صاحب مال برگرداند.

دلیل دوم ایشان قاعده ی کلیه ی: « من أتلف مال غیره فهو له ضامن » می باشد که از روایات کثیره ای که در باب ودیعة و اجاره و عاریه و رهن و... داریم إصتیاد شده است که آن روایات دلالت دارند بر اینکه اگر کسی مال دیگری را اتلاف کند ضامن می باشد و استیفاء منفعت نیز نوعی اتلاف مال صاحب مال است لذا قبض آن را ضامن می باشد.

آقای خوئی در ذیل بحثشان چند مورد از آن روایات کثیره را استشهاداً ذکر کرده من جمله خبر اسحاق بن عمار که این خبر است: « عن إسحاق بن عمّار، قال: سألت أبا إبراهيم (ع) عن الرجل یرهن الرهن بمائة درهم و هو یساوی ثلاثمائة درهم، فیهلک أعلی الرجل أن یرد علی صاحبه مائتی درهم؟ قال: نعم، لأنه أخذ رهنًا فیہ فضل، و ضیعّعه . الحدیث ».

همانطور که می بینید حضرت در این خبر فرموده چونکه مرتهن ۳۰۰ درهم را ضایع کرده لذا ضامن است یعنی اگر با تلف سماوی و بدون تعدی و تفریط از بین می رفت مرتهن ضامن نبود بلکه ۱۰۰ درهمش را نیز از بدهکار می گرفت منتهی چونکه مرتهن عین را ضایع کرده ضامن است .

اما اشکال ما به استدلال آقای خوئی به روایات کثیره ی مذکور در کلام ایشان آن است که این روایات دلیل برای مانحن فیه واقع نمی شوند زیرا استیفاء منفعت بحث و اتلاف المال بحث آخر می باشد اما ایشان در اینجا به روایاتی استدلال کرده که بر اتلاف و تضييع مال دلالت دارند که مربوط به بحث ما یعنی استیفاء منفعت نمی شوند مثلاً اگر خانه ای را به بیع فاسد بخرد و آن را از بین ببرد اتلاف کرده ولی استیفاء منفعت آن خانه سر جای خودش باقی است بنابراین دلیل اول آقای خوئی (سیره ی عرف و عقلاء) صحیح است و مورد قبول ما می باشد اما دلیل دوم ایشان (روایات کثیره) را قبول نداریم .

بنده یک روایتی را در اینجا ذکر کرده ام که بر مانحن فیه دلالت دارد و آن خبر ۲ از باب ۵ از ابواب احکام رهن می باشد که در ص ۱۲۵ از جلد ۱۳ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است ، خبر این است : « وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ فِي الرَّهْنِ إِذَا ضَاعَ مِنْ عِنْدِ الْمُرْتَهِنِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَسْتَهْلِكَهُ رَجَعَ بِحَقِّهِ عَلَى

الرَّاهِنِ فَأَخَذَهُ وَإِنْ اسْتَهْلَكَهُ تَرَادًّا الْفُضْلَ بَيْنَهُمَا » .

خبر سنداً صحیح است و شاهد ما جمله ی : « وَ إِنْ اسْتَهْلَكَهُ تَرَادًّا الْفُضْلَ بَيْنَهُمَا » می باشد که دلالت دارد بر اینکه اگر کسی از مال دیگری بغیر اذنه استیفاء منفعت بکند باید عوضش را به صاحبش بپردازد ، بنابراین به نظر ما علاوه بر سیره ی عرف و عقلاء این روایت نیز دلالت دارد بر اینکه اگر کسی از مال دیگری بدون اذنه استیفاء منفعت بکند باید عوضش را به صاحب مال بپردازد .

شکی نیست که تا اینجای کلام شیخ انصاری صحیح است و بحثی در آن نیست منتهی ابن حمزه در وسیله مخالف ماست و ضمان در صورت استیفاء منفعت را نفی کرده محتجاً : بِأَنَّ : {الخراج بالضمان} کما فی النبوی المشهور المرسل ، که البته این روایت از طرق عامه نقل شده و از طرق ما مرسل می باشد .

«الخراج» یعنی ما یخرج من الشيء از منفعت مثل میوه ی درخت و بچه ی گوسفند و امثال ذلک و حرف «باء» یا سببیه است مثل : «أَدْخَلَ الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و یا مقابله است مثل : «بَعْتُ هَذَا بِهَذَا» و ابن حمزه در وسیله در تفسیر «الخراج بالضمان» گفته یعنی اینکه وقتی کسی ضامن عین شد منافع آن عین متعلق به او می باشد مثلاً کسی که ضامن درخت و یا گوسفند است منافع آنها متعلق به او می باشد فلذا دیگر ضامن آن منافع نیست چونکه مال خودش می باشد .

خواجه له علی تقدیر الفساد ، كما أن الضمان عليه علی هذا التقدير أيضاً . و الحاصل : أن ضمان العين لا يجتمع مع ضمان الخراج ، و مرجعه إلى أن الغنيمة و الفائدة بإزاء الغرامة .
این تفسیر کلام ابن حمزه درباره « الخراج بال ضمان » بود که مدعی شده اخبار کثیره ای نیز بر آن دلالت دارد و اما ادامه ی بحث بماند برای فردا إن شاء الله ...

والحمد لله رب العالمين وصلى الله على
محد آله الطاهرين

روایت مذکور در واقع همان مبنای ابوحنیفه می باشد که در صحیحی ی ابو ولاد خواهیم خواند که در آن نقل شده شخصی بغلی را کرایه کرد تا اینکه با او برای وصول طلبش به نیل که در نزدیکی کوفه است برود اما بعد از رفتن به نیل دید که بدهکارش در آنجا نیست و همین طور تا ۱۵ روز بر خلاف قرار داد اجاره اش با آن بغل به دنبال بدهکارش می گشت تا اینکه بعد از ۱۵ روز که برگشت موجر به او گفت باید کرایه ی این ۱۵ روز را به من بدهی اما مستأجر گفت که من فقط همان کرایه ی تا نیل را به تو می دهم ، به نزد ابوحنیفه رفتند و او حرف مستأجر را تأیید کرد و بعد روایت مذکور : « الخراج بال ضمان » را خواند و گفت چونکه از نیل آن طرف تر رفته ضامن بغل تو شده (مثل غاصب) و طبق حدیث مذکور هرکس که ضامن عین شد تمام منافع آن متعلق به او می باشد لذا چیزی نباید به تو بدهد ، صاحب بغل خیلی ناراحت شد و بعد از مدتی به خدمت امام صادق (ع) رسید و جریان را برای حضرت تعریف کرد و حضرت فرمودند : « فی مثل هذا القضاء و شبهه تحبس السماء ماءها و تمنع الأرض برکاتها » .

شیخ انصاری در تفسیر « الخراج بال ضمان » می فرماید : « و تفسیره : أن من ضمن شيئاً و تقبله لنفسه فخرجه له ، فالباء للسببية أو المقابلة ، فالمشتری لما أقدم علی ضمان المبیع و تقبله علی نفسه بتقبیل البائع و تضمينه إیاه علی أن یكون الخراج له مجاناً ، كان اللازم علی ذلك أن